



A Sociological Explanation of the Impact of Virtual Space on Social Apathy

Seyed Samad Beheshti¹

Associate Professor of the Department of Social Sciences, Yasouj University, Yasouj, Iran

Moslem Naraghimanesh

MA in Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Abolghasem Askari

MA in Sociology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Nazarpishro Nasrabad Sofla

PhD Student in Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Shaja'at Poursedighi

MA in Social Communication Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Received: 8 July 2023

Revised: 11 November 2023

Accepted: 1 December 2023

<https://doi.org/10.22067/social.2023.82289.1346>

Abstract

The expansion of virtual social networks has significantly influenced various dimensions of human life. A critical area that warrants investigation is the impact of virtual social networks on human social interactions. This study aims to provide a sociological analysis of how virtual networks contribute to social apathy. Employing a quantitative survey methodology, the research consists of a sample of 375 students selected from a total of 5,385 students at Yasouj University. Data were gathered by an online survey due to the restrictions imposed by the Covid-19 pandemic. According to the results, the average apathy among students was 103.95, which is below the average threshold of 111. Furthermore, within the broader statistical population, students' sensitivity to societal conditions was above average. Furthermore, although students' engagement in virtual social networks is higher than average, their overall active participation in these platforms remains at a moderate level. While there is generally a positive correlation between the duration of interaction with virtual social network and the extent of social apathy, the highest levels of apathy are associated with the use of virtual social networks for entertainment purposes. Comparative analyses suggest that men and employed people exhibit lower levels of social apathy than do women and unemployed

1. Corresponding Author. Email: sbheshty@yu.ac.ir

students. Additionally, there is a remarkable disparity in social apathy levels between undergraduate and graduate students and between those studying in social science and those pursuing other academic disciplines. The regression analysis of the research variables revealed that about 17.5% of variance in social apathy can be attributed to the use of virtual social networks. Overall, the results of this study revealed that interaction with virtual social networks and their usage can alter individuals' cognitive and emotional dimensions; however, it does not induce significant behavioral changes. Furthermore, there exists a potential risk that this engagement may create a rift between individuals' real and virtual lives in reality.

Keywords: Virtual Space, Internet, Social Networks, Social Apathy.





Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی

سید صمد بهشتی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، نویسنده مسئول)

sbeheshty@yu.ac.ir

مسلم نراقی‌منش (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

moslemnaraghi@gmail.com

ابوالقاسم عسکری (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

sociology.askari2307@gmail.com

نظر پیشرو نصرآباد سفلی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

pishronazar@gmail.com

شجاعت پورصدیقی (کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران)

shojaatpoor@gmail.com

چکیده

گسترش استفاده از شبکه‌های مجازی، بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها تأثیرات مختلفی داشته است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که لازم است اثرات این فضا بر آن بررسی شود، حوزه روابط اجتماعی انسان‌هاست. هدف از انجام این تحقیق، تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی است. این تحقیق با روش کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این تحقیق، ۳۷۵ نفر دانشجویان بین ۵۳۸۵ نفر دانشجوی دانشگاه یاسوج به‌عنوان نمونه آماری بررسی شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است که با توجه به محدودیت‌های ناشی از بیماری کووید ۱۹ به‌صورت آنلاین جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان دادند میانگین بی‌تفاوتی دانشجویان به میزان (۱۰۳.۹۵) پایین‌تر از سطح میانگین طیف به میزان (۱۱۱) است و در سطح جامعه آماری دانشجویان در سطحی بالاتر از متوسط، نسبت به شرایط جامعه حساس هستند. همچنین علیرغم اینکه بیشتر از سطح متوسط طیف از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند ولی استفاده فعال آنها از این شبکه‌ها نهایتاً در سطح متوسط است. هرچند به‌طور کلی بین میزان زمان استفاده از شبکه‌های مجازی با میزان بی‌تفاوتی رابطه مثبتی وجود دارد ولی

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۰۶-۶۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

بیشترین میزان بی تفاوتی ناشی از استفاده از شبکه های مجازی با هدف سرگرمی است. مقایسه ها نشان دادند میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین مردان و شاغلین کمتر از زنان و دانشجویان بیکار است. همچنین میزان بی تفاوتی اجتماعی بین دانشجویان کارشناسی با مقاطع بالاتر و نیز دانشجویان علوم انسانی با سایر رشته های دانشگاهی معنادار هست. برآورد رگرسیونی متغیرهای تحقیق نشان داد حدود ۱۷.۵ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی ناشی از استفاده از شبکه های اجتماعی است. در مجموع، یافته های این تحقیق نشان داد حضور در شبکه های مجازی و استفاده از آنها هرچند می تواند به تغییر در بعد شناختی و عاطفی افراد منجر شود ولی در عرصه کنش منجر به تغییرات چندانی نمی شود و این خطر را به همراه دارد که در فضای عمل، بین زندگی واقعی و مجازی افراد شکاف ایجاد شود.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، اینترنت، شبکه های اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی.

۱. مقدمه

ظهور فناوری های نوین ارتباطی در عصر حاضر به همراه تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده، تأثیرات عمیقی بر روابط فردی و اجتماعی گذاشته است و تصور ما را از جهان پیرامون دگرگون می سازد. از زمانی که این فناوری ها وارد فضای زندگی انسان شده تا به امروز، علی رغم تمام ابعاد مثبت و منفی آن، یک سری دغدغه ها و نگرانی هایی را بر خانواده ها تحمیل نموده است که در تمام جوامع موضوعیت داشته و محدود به جامعه و اقلیت خاص نمی شود (عقیلی و پوری، ۱۳۹۰: ۲۸).

یکی از پدیده هایی که در دنیای مدرن و در ایران نیز مشاهده می شود، پدیده بی تفاوتی اجتماعی^۱ است این پدیده به وضعیتی اطلاق می شود که مانع از هرگونه مشارکت و تعامل فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای شکل دهی یک جامعه مردم سالار و زندگی اجتماعی بهتر می شود. این وضعیت با طرد هرگونه کنش فعال در فرآیندهای تصمیم گیری سطوح خرد و کلان جامعه، باعث تقلیل تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و درنهایت افول و عقب افتادگی آن می شود (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۴).

1. Social Apathy

با گذار از سبک زندگی سنتی به سبک مدرن، جمع‌گرایی به تدریج در جوامع کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که شدت این تغییرات در شهرها و به‌ویژه در کلان‌شهرها دوچندان شده است. در این میان احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی افراد به میزان قابل توجهی کاهش یافته است؛ به عبارت دیگر، رشد مدرنیته همراه با عوامل دیگر، فردگرایی را در جوامع تقویت کرده و زمینه را برای تضعیف احساسات نوع‌دوستی و هم‌دردی در بین مردم فراهم کرده است. در این راستا، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی را مطرح می‌کنند و آن را نوعی بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی در افراد نسبت به محیط پیرامون خود توصیف می‌کنند. تعدادی از محققین وابسته به جامعه‌شناسی کلاسیک کوشیده‌اند بی‌تفاوتی اجتماعی را که اغلب از طریق تفسیر بیگانگی اجتماعی بیان می‌شود، توضیح دهند. به‌عنوان مثال، زیمل^۱ به ویژگی‌های زندگی شهری مدرن (کرایب^۲، ۲۰۱۵؛ ممتاز، ۲۰۰۰)، دورکیم به پدیده آنومی و ضعف هنجاری در جامعه مدرن (رفیع پور، ۱۹۹۹)، تونیس و وبر به تکثیر کنش‌ها اشاره می‌کنند. براساس عقلانیت مدرن (رنا^۳، ۲۰۱۵)، مارکس به انزوای کارگران به دلیل ماهیت تولید سرمایه‌داری و زنانیکی و توماس در نظریه گسست اجتماعی نظام به ضعف هنجارها اشاره می‌کنند (کروبی و فردوسی، ۲۰۲۱: ۲).

بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می‌شود (قاضی‌زاده و کیان پور، ۱۳۹۴: ۶۰).

راجع به بی‌تفاوتی اجتماعی، متون دینی از جمله قرآن تذکراتی داده‌اند. قرآن مجید، ذیل آیات امر به معروف و نهی از منکر و آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران، موضوع بسیار مهم بی‌تفاوتی اجتماعی را با تعبیرهای گوناگون مورد توجه قرار داده و معتقد است که احساس مسئولیت و

-
1. Simmel
 2. Craib
 3. Rhea

نوع دوستی مایه قوام و دوام تمام واجبات و ارزش‌های انسانی و اسلامی است و همچنین، اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از آیات قرآن کریم (توبه / ۷۱) برای مقابله با بی‌تفاوتی، دعوت به خیر (امر به معروف و نهی از منکر) را وظیفه‌ای همگانی و بر عهده مردم نسبت به یکدیگر مقرر کرده است. بنابراین، آنچه در مسائل فردی و اجتماعی انسان‌ها ارزش و درجه اول اهمیت را دارد، داشتن حساسیت نسبت به سلامت و سعادت خود، خانواده، همسایگان و افراد جامعه است. باید بکوشیم نسبت به نقص‌ها، عیب‌ها و مشکلات گوناگون خود و دیگران بی‌تفاوت نباشیم؛ زیرا این بی‌تفاوتی، آفت سلامت و پیشرفت جامعه خواهد بود.

واقعیت این است که هر چند وقت یکبار، حوادثی در گوشه و کنار جهان و کشور رخ داده است که واکنش و ارتباط مردم با آنها قابل بررسی و تحلیل است. بسیاری از ما تا به حال شاهد ویدئوهای مختلفی از جمله تجاوز به حقوق و دارایی‌های افراد در مکان‌های عمومی، نزاع و درگیری، سرقت و غیره بوده‌ایم که نشان‌دهنده این موضوع است که فردی شاهد این وقایع بوده و بی‌توجه به دعوا، جنایت یا به درسرافتادن بوده است. این موضوع نمونه بارز بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد جامعه است. شاید خیلی برای ما اتفاق افتاده باشد که در خیابان‌های شهرمان شاهد نزاع و درگیری بین چند نفر باشیم و شاید بعد از شدید شدن دعوا بر روی هم سلاح سرد و یا گرم بکشند و ما بی‌تفاوت از این صحنه‌ها بگذریم و شاید هم گوشی‌های موبایلمان را درآورده و مشغول فیلم برداری شویم تا بعدها به دوستان و اطرافیانمان نشان داده و وقتمان را بگذرانیم. برخی از حوادثی که مصداق این پدیده است را می‌توان چنین مثال زد: حادثه میدان کاج تهران، جنایتی که منجر به کشته شدن فردی در مقابل دیدگان عده کثیری از مردم شد که بدون هیچ عکس‌عملی، مقابل مجروحی در حال جان‌دادن و التماس تنها به فیلم برداری با گوشی‌های تلفن همراه خود پرداختند. قتل دانشجویی در پل مدیریت، در تیرماه سال ۱۳۹۰ روی پل عابر پیاده پل مدیریت تهران رخ داد و در آن پسر دانشجویی هم‌کلاسی خود را با ۲۶ ضربه چاقو به قتل رساند. در سال ۱۳۹۰ در میدان انقلاب، شخصی اقدام به خودسوزی کرد؛ واکنش نه‌چندان جدی عابران و ناظران نسبت به این حادثه نیز مهم و قابل تأمل

بود. حاضران در محل حادثه واکنش جدی‌ای نسبت به خودسوزی قربانی نشان نداده‌اند. این صحنه‌ها را در موارد بسیار زیاد دیگری نیز می‌توان دید؛ نظیر اختلاس‌های صورت گرفته، گرانی و افزایش قیمت ناگهانی کالاها، سقوط هواپیما، موضوعات هسته‌ای، بروجام و غیره. جالب است که در این موارد واکنش مردم به موضوع، بیشتر نگاه‌کردن و گذشتن از کنار آن بوده است و یا انتشار مطالب طنزگونه پیرامون این وقایع در فضای مجازی.

عدم تمرکز بر مسائل اجتماعی و سیاسی پیرامون خود و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل عمومی جامعه از جمله مباحث مهمی است که در تحلیل‌های سیاسی-اجتماعی کشور مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. در سطح جهانی، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که هرچقدر بی‌تفاوتی بیشتر باشد، بی‌نظمی، فقدان مشروعیت نظام اجتماعی و ... بیشتر خواهد بود (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۴). اینکه چه مواردی باعث می‌شد که مردم از کنار مسائل مختلف به صورت بی‌تفاوت عبور کنند، مسئله‌ای است که ذهن جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول کرده است. امروزه با گسترش فضای ارتباطات در سطح جهان که باعث افزایش آگاهی مردم از وقایع صورت گرفته در گوشه و کنار جهان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند شده است، انتظار می‌رفت که مردم نسبت به حوادثی که در اطرافشان رخ می‌دهد واکنش مناسب‌تری از خود نشان دهند؛ اما گاهی می‌بینیم که مردم در این فضای مجازی بیشتر برای سرگرم کردن خود استفاده می‌کنند تا تأثیرگذاری بر وقایع اجتماعی مختلفی که رخ می‌دهد.

تحقیقات نشان می‌دهند روند پوشش اینترنت در جهان و ایران بسیار بالاست؛ برای مثال براساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ بیشتر از نیمی از مردم چین اینترنت داشتند و در کشور آلمان بیش از ۸۷ درصد مردم و در پاکستان فقط ۱۸ درصد مردم دسترسی به اینترنت داشتند که این رشد رو به افزایش است و همچنین، در همین سال کمتر از نیمی از مردم ایران به اینترنت دسترسی داشتند. بانک جهانی این آمار را به ازای هر ۱۰۰ نفر اعلام داشته است (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶). طبق آمارهای ارائه‌شده مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت در آخرین

گزارش خود، شمار کاربران اینترنت در ایران تا پایان ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۱ برابر ۴۵ میلیون و ۵ هزار ۶۴۴ نفر اعلام شده است (مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت، ۱۳۹۲).

رئیس قرارگاه فضای مجازی سازمان بسیج مستضعفین در سال ۹۷ با ارائه آماری از آخرین وضعیت فضای مجازی در دنیا گفت: کل کاربران اینترنت در سال ۲۰۱۸ در دنیا بیش از ۴ میلیارد نفر، کاربران شبکه‌های اجتماعی بیش از ۳ میلیارد نفر و استفاده‌کنندگان از گوشی هوشمند هم نزدیک به ۳ میلیارد نفر بوده و محبوب‌ترین پیام‌رسان‌های اجتماعی در دنیا نیز به ترتیب: «فیس‌بوک»، «یوتیوب» و «واتساپ» هستند. امینی در ادامه گریزی هم به آمار کاربران فضای مجازی در ایران زد و گفت: ایران با بیش از ۲۰ میلیون نفر کاربر در اینستاگرام، رتبه هفتم استفاده از این شبکه اجتماعی را در دنیا دارد و کاربران اینترنت هم در سال ۹۶ بیش از ۵۶ میلیون نفر بوده‌اند. وی همچنین بیان کرد ۳۰ میلیون کاربر تلفن همراه هوشمند در ایران داریم و در این زمینه رتبه ۱۶ جهان را به خود اختصاص داده‌ایم (مشرق نیوز، ۱۳۹۷).

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و از لحظه تولد تا آخر عمر در اجتماع به سر می‌برد و پیوسته با انسان‌های دیگر در تعامل است، همواره باید یاد بگیرد چگونه در جمع زندگی و نیازهای خود را ارضا کند. برای این کار آموختن مهارت‌های اجتماعی لازم است. فرد طی فرایند جامعه‌پذیری این مهارت‌ها را فرامی‌گیرد و یادگیری درست آنها می‌تواند به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد به نظر کنزاد و هایدن^۱ (۱۹۸۱) در مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد گرایش مسئولانه دارد. برای فعالیت به صورت مسئولانه احساس شایستگی می‌کند (یزدان‌پناه و حکمت، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

لازم است که به پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی از ابعاد مختلف توجه شود. به لحاظ فردی، کسی که نسبت به جامعه خویش بی‌تفاوت شده باشد، مطابق با معیارهای سلامت اجتماعی، قدرت انطباق، پذیرش، مشارکت و شکوفایی اجتماعی را از دست می‌دهد و نمی‌تواند سطح بالایی از سلامت اجتماعی را تجربه کند. افرادی که دچار چنین وضعیتی شوند، دچار از خود بیگانگی شده، در هویت‌یابی و نیز پذیرش الگوهای فرهنگی جامعه با مشکل روبه‌رو می‌شوند. همین امر زمینه بروز مسائلی را در جامعه ایجاد می‌کند که ریشه‌های فرهنگی دارند؛ چنانکه آبرل و همکارانش عنوان می‌کنند که جمعیت بی‌تفاوت یکی از شرایط بنیادی است که می‌تواند زنگ خطر را برای جامعه به صدا آورد. بی‌تفاوتی اجتماعی مانعی در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی و همچنین توسعه ملی ایجاد کرده، می‌تواند مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی حاکم بر جوامع را با خطر روبه‌رو کند و در مجموع اینکه اگر چنین وضعیتی در جامعه ایجاد شود، با توجه به خصلت بازتولید مسائل اجتماعی در اثر جامعه‌پذیری افراد چرخه معیوبی از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد می‌شود. با توجه به مطالب بالا یعنی از یک‌سو گسترش فضای مجازی در ایران و از سوی دیگر بروز شواهدی که نشان از بی‌تفاوتی روزافزون ایرانیان نسبت به مسائل مختلف دارد، این سؤال مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین گسترش استفاده از فضای مجازی و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در بین ایرانیان وجود دارد. پاسخ به سؤال مذکور انگیزه نویسندگان در تدوین این مقاله است.

درباره نقش فضای مجازی در بی‌تفاوتی اجتماعی، به‌صورت جداگانه مطالعاتی انجام شده است که به‌عنوان پیشینه تجربی آورده می‌شود:

عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی پرداختند. روش انجام این مطالعه پیمایشی در میان ساکنان بالای ۱۸ سال دو منطقه شهری (محله قزل‌قلعه منطقه ۶ تهران) و روستایی (نظام‌آباد اسلام‌شهر) بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراکات و تفسیرهای اجتماعی افراد، خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت

اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است. در این میان، اثرگذاری متغیرهای در جامعه «بی‌اعتمادی» در جامعه شهری و «نارضایتی اجتماعی» در جامعه روستایی بارزتر بوده است.

محسنی تبریزی (۱۳۹۰) پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (موردپژوهش شهروندان تهرانی) پرداخته است. روش پژوهش پیمایشی و بر روی ۸۵۰ نفر در شهر تهران صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد، میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی، یعنی بی‌هنجاری (آنومی) اعتماد اجتماعی، اثربخشی، اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه-پاداش، و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری به دست آمد. براساس یافته‌های به دست آمده در این مطالعه، می‌توان استنتاج کرد که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی، و محرومیت نسبی تغییر می‌کند.

ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) به شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی، با روش پیمایشی و با حجم نمونه آماری ۳۶۹ نفر پرداخته‌اند. نتایج نشان داد متغیرهای بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه-پاداش و ادراک عدالت، با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه آماری معنی‌داری دارند.

نوابخش و میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴) با یک تحلیل جامعه‌شناختی، تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان شهر بابل) را بررسی کردند. از روش پیمایش با جمعیت نمونه ۳۸۵ نفری از میان شهروندان بالای ۱۸ سال شهر بابل، برای بررسی موضوع استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بی‌تفاوتی اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است. همچنین، با افزایش سن و درآمد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود.

قاضی‌زاده و کیان‌پور (۱۳۹۴) میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان) را بررسی کردند. تعداد جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال

تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود که ۳۷۲ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد مطالعه‌شده از یک مقیاس ۵ درجه‌ای مقدار $1/93$ بوده که بیانگر بی‌تفاوتی اجتماعی در حد پایینی بوده است. مصلحی‌نیک و حاجیانی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران پرداختند. روش انجام پژوهش پیمایشی، داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته به دست آمده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه ۱۹۶ نفر بوده است. نتایج پژوهش، به‌طور قوی نشانگر آن است که دانشجویان دانشگاه تهران برخلاف انتظار از میزان معمول کمتر در فضای مجازی حضور داشته و برخلاف تصورات اولیه، وابستگی کمتری به اینترنت دارند. همچنین به لحاظ ارتباط درونی، ارزش‌های اخلاقی و مؤلفه همدلی اجتماعی در وضعیت خوبی قرار دارند.

فتحی و جعفری (۱۳۹۶) به بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی پرداخته‌اند این مطالعه در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به روش پیمایشی صورت گرفته است. نتایج نشان داد که بین مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی رابطه وجود دارد. همچنین بین میزان مصرف رسانه‌ای دیجیتال با مصرف فرهنگی، مصرف مادی، رفتار سیاسی و دین‌داری، هم‌بستگی مستقیم وجود دارد.

جمشیدزاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی پرداختند. این تحقیق به روش پیمایشی در بین شهروندان منطقه ۱ و ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میزان بی‌تفاوتی در حد متوسط روبه بالاست و بین متغیرهای نگرش نوع‌دوستانه، رفتار نوع‌دوستانه، نگرش مدنی، رفتار مدنی، تنوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

در خارج از کشور هم مطالعات مختلفی که نزدیک به بحث است وجود دارد: ویازنیکووا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی دلایل بی تفاوتی اجتماعی دانش آموزان پرداختند. روش انجام کار پیمایشی بود. آنها به این نتیجه رسیدند که تعدادی از ویژگی های رفتار اجتماعی که به افراد در معرض بی علاقه‌گی اجتماعی نسبت داده می شود نشان داده شده است: مردم‌گریزی، انزوا، بی مسئولیتی، انفعال، غوطه‌وری در مشکلات خود، قرارگرفتن در معرض نفوذ شخص دیگری است.

چونگ^۲ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان تعریف بی تفاوتی آورده است که: «بی تفاوتی اجتماعی» به کاهش ابتکار عمل در مشورت کردن یا درگیر شدن در فعالیت‌ها یا تعاملات اجتماعی اشاره دارد. بی تفاوتی به‌طور سنتی با کاهش سطوح انگیزه برای اقدام، و همچنین با «نقص فعال‌سازی خودکار» همراه بوده است.

ماسن^۳ (۱۹۹۱) در تحقیقش پیرامون بی تفاوتی و تولد دموکراسی: چالش لهستانی بیان کرده که: بی تفاوتی، از کلمات یونانی به معنای «بدون احساس»، یک اصطلاح است که بر بی تفاوتی فردی و شکلی از رفتار سیاسی جمعی دلالت دارد. بی تفاوتی سیاسی درگیرنشدن یا نداشتن دخالت روانی در امور عمومی، جدایی عاطفی از تعهدات مدنی و پرهیز از فعالیت سیاسی است؛ اما هیچ‌یک از این موارد به‌تنهایی بی تفاوتی سیاسی نیست و اینها را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های ضروری، اما ناکافی بی تفاوتی سیاسی در نظر گرفت. بی تفاوتی سیاسی با نداشتن علاقه به رفتار جمعی و توده‌ای مشهود است؛ اما منشأ آن در سطح روانی فردی است. در مجموع، بی تفاوتی سیاسی با این نگرش که فعالیت مورد انتظار انجام نمی‌شود، آشکار می‌شود.

کلاین^۴ (۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان «رأی اکثریت، بی تفاوتی اجتماعی و وضعیت محدودیت‌های موجود»، چنین بیان کرده که: مرتبط‌ترین برخورد با بی تفاوتی اجتماعی را می‌توان

-
1. Viaznikova
 2. Chong
 3. Mason
 4. Kline

در اثر بنکس و بوردز^۱ (۱۹۸۸) یافت که در طرح زمینه مقاله خودشان بیان می‌کنند که «بی تفاوتی یا بلا تکلیفی در روند تجمیع به‌طور بالقوه می‌تواند از چندین منبع متمایز ناشی شود؛ از جمله قوانین q. به انواع مختلفی از «خط سیر (روش) بنکس» که ممکن است در صورت شرایط موجود برای وقوع بی تفاوتی اجتماعی حاصل شود که تا حدی به نوع قاعده تساوی‌شکنی در مکان بستگی دارد (Kline, 2014).

۲. مبانی نظری تحقیق

مفهوم بی تفاوتی اجتماعی، ترجمه فارسی اصطلاح انگلیسی «Social apathy» است. در زبان فارسی از این اصطلاح ترجمه‌های گوناگونی شده است، گاهی آن را «بی‌قیدی اجتماعی» و «بی‌احساسی»، «بی‌حالی» یا «بی‌عاطفگی» ترجمه کرده‌اند (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵). تعریف متفاوتی برای این مفهوم از سوی دانشمندان مختلف ارائه شده است؛ برای مثال، هارولد کاپلان و بنیامین سادوک بی تفاوتی را رفتاری می‌دانند که در وضعیتی از نبود یا بی‌اعتنایی به احساس درونی و عاطفه انسانی، بی‌علاقگی و سطح اندک درگیری هیجانی نسبت به رفتاری و نیاز به همراهی دیگران در محیط پیرامونی بروز می‌کند و می‌تواند با نشانه‌هایی از افسردگی یا روان‌گسیختگی اشتراک‌هایی داشته باشد (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۳). جامعه‌شناسان بی تفاوتی اجتماعی را به گونه‌های مختلفی بررسی کرده‌اند.

وبر^۲ قفس آهنین را یکی از دستاوردهای نظام سرمایه‌داری می‌داند که باعث بی تفاوتی اجتماعی انسان‌ها می‌شود. قفس آهنین وبر که همان نظام بروکراسی است، باعث می‌شود که انسان‌ها تحت سیطره این نظام قرار بگیرند که خارج از اراده آنها بر ایشان چیره شده است. تحت سیطره این قفس آهنین، زندگی انسان‌ها با نیرویی تقدیری گریزناپذیر تعیین و مشخص می‌شود. تقدیری که از محدود شدن ما در قفس آهنین خبر می‌دهد. وبر با لحنی جدی که یادآور عبارات نیچه است می‌گوید: هیچ‌کسی نمی‌داند که چه کسی در آینده این قفس آهنین خواهد بود، آیا در

1. Banks and Boards
2. Weber

انتهای این رشد و توسعه فوق‌العاده پیامبران جدیدی ظهور خواهد کرد، آیا این ایده‌ها و آرمان‌های کهن تولدی دوباره خواهند یافت یا نه و اگر نه آیا تحجری ماشینی که با نوعی خود والابینی زینت یافته به وجود خواهد آمد. درباره آخرین مرحله این توسعه فرهنگی به واقع می‌توان گفت: متخصصان فاقد روح و لذت پرستان فاقد احساسند، این پوچی تصور می‌کند که به سطحی از تمدن دست یافته که پیش از این کسی به آن نائل نشده بود (استونز، ۱۳۹۳: ۶۲).

آبرل^۱ و همکارانش از شرایط بنیادی‌ای سخن می‌گویند که اگر وجود نداشته باشد جامعه‌ای نیز به جای نخواهد ماند. یکی از این عوامل جمعیت بی تفاوت جامعه مربوط است. جمعیت بی تفاوت برای یک جامعه تهدیدی به شمار می‌آید؛ اگرچه در اینجا درجه بی تفاوتی مطرح است، زیرا برخی از بخش‌های جامعه همیشه دست کم قدری بی تفاوتی را نشان می‌دهند؛ اما جمعیت جامعه در برخی موارد ممکن است چنان بی تفاوت شود که اجزای گوناگون سازنده جامعه از عملکرد بیفتند و سرانجام جامعه فروریزد (ریترز، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

از نظر گئورگ زیمل، «کلان‌شهر»ها^۲ عرصه اصیل فرهنگ مدرنند. از نظر وی انسان کلان‌شهر در برابر حقارت‌ها و تعصباتی که در فرد شهرستانی دیده می‌شود، به مفهومی معنوی و پالایش یافته، «آزاد» است؛ زیرا بی تفاوتی و احتیاط متقابل و شرایط زندگی معنوی دوایر بزرگ هرگز به نحوی شدیدتر از آنچه در شهرهای بزرگ به خاطر برخورد این عوامل (بی تفاوتی و احتیاط متقابل و غیره) با استقلال فردی رخ می‌نماید، به وسیله فرد احساس نشده است. دلیل این امر آن است که نزدیکی کالبدی و تنگی فضا فاصله روانی را صرفاً چشمگیرتر می‌کند. مسلماً صرفاً مشاهده چنین آزادی‌ای است که هیچ کس، تحت شرایط خاصی، در هیچ مکان دیگری همانند کلان‌شهر احساس تنهایی و گم‌گشتگی نمی‌کند؛ زیرا در اینجا نیز مانند هر جای دیگر، به هیچ وجه لزومی ندارد که آزادی شخص به صورت نوعی راحتی در زندگی عاطفی‌اش منعکس شود» (زیمل، ۱۳۵۸: ۱۰۶-۱۰۵). او معتقد است که یکی از ویژگی‌های بسیار مهم انسان‌هایی

1. April

2. metropolis

که در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند، «آزادی شخصی» و «آزادی حرکات» آنهاست (همان، ۱۰۳). الگوی تحلیلی زیمل در قالب شکل (فرهنگ ذهنی) و زندگی (فرهنگ عینی) بیان می‌کند که چیرگی فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی سبب بیگانگی در آن جامعه خواهد شد. در جوامع غربی رفتار اجتماعی در قالب مشارکت مدنی فعال (زندگی) همراه با توسعه جامعه مدنی مدرن (شکل) شکل گرفته است. زیمل نمود و ظهور بیگانگی را با زندگی مردم در کلان‌شهرها، فردگرایی، غلبه رایج عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و در نهایت دل‌زدگی اجتماعی ارزیابی کرده است. وی معتقد است مردم در جوامع مدرن الگوی یکسانی را در وابستگی‌های گروهی خود ندارند. در این حالت روابط اجتماعی، هم‌زمان با وابسته شدن فرد به گروه‌ها، چندگانه می‌شود؛ لذا زمینه برای ظهور فردگرایی نیز فراهم می‌شود؛ البته حین بروز فردگرایی نیز، بسیاری از وابستگی‌های گروهی با تضاد همراه می‌شود و در این دیدگاه بیگانگی به شکل احساس انزوا و بی‌قدرتی ظاهر می‌شود (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۸).

گافمن^۱ مفهومی دارد با عنوان کنش دوسویه بی‌کانون^۲ که به مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی خیلی نزدیک است. کنش‌های ساده‌ای مانند پرسه‌زدن در خیابان، در صف ایستادن، در اتاق انتظار یا روی نیمکت پارکی نشستن، ایستادن در آسانسور، رفت‌وآمد در توالی همگانی و بسیاری دیگر از فعالیت‌های روزمره، بازنمای قلمرو بااهمیتی از سازمان اجتماعی است. گردهمایی بی‌کانون در نمای کلی مانند کنش دوسویه کانونمند است که دربردارنده قواعد هنجاری درباره فاصله‌گذاری، حرکت، تعیین جایگاه، گوش فرادادن، گفت‌وگو و نمایش خود است. هیچ نزدیکی و تمرکز شدید توجه یا اجبار رابطه چهره‌به‌چهره در رویارویی‌های بی‌کانون وجود ندارد. هنگامی که افراد در محیط همگانی‌اند، هنوز هم درگیر نمایشند؛ ولی چون تماشاچیان درگیر رودرویی چهره‌ای یا گفت‌وگوی درازمدت نیستند، بازنمایی می‌تواند بیشتر خاموش و کمتر با تحریک پیش برود. بسیاری از کنش‌های دوسویه بی‌کانون دربردارنده نزاکت و بی‌توجهی است.

1. Goffman

2. Unfocused Interaction

مردم می‌توانند با نادیده گرفتن ساده و تحمل کردن شکافه‌ای کوچک در هنجارها، خود و اعمال مناسبی بدون تنش و رنجش گرد هم آیند و حرکت کنند. مردم با این روش باعث می‌شوند کنش دوسویه بی‌کانون بدون رویداد بگذرد و افراد را قادر کند معنایی از واقعیت را در نگاه‌های زیرکانه، سر تکان‌دادن‌ها، تماس‌های چشمی لحظه‌ای، تغییر جهت‌ها و دیگر کنش‌های زندگی همگانی بنا کنند (ترنر^۱، ۱۳۹۴: ۵۱۴-۵۱۷). مثلاً وقتی ما در پیاده‌رو در شهر داریم به راه رفتن ادامه می‌دهیم و روبه‌روی ما یک نفر دیگر دارد می‌آید، از حضور آن شخص آگاهی داریم و وقتی در کنار هم قرار می‌گیریم با یک نیم‌نگاه به هم به‌سادگی از کنار یکدیگر دیگر عبور می‌کنیم، در واقع یک کنش دوسویه بی‌کانون صورت گرفته است. چیزی که در اکثر اتفاق‌هایی که در شهرها می‌افتد از آن آگاه هستیم و بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذریم. مثلاً یک پیرمرد نابینا و ناتوان می‌بینیم و او هم ما را می‌بیند، در حال عبور از خیابان است، بدون کمک به او می‌گذریم که گافمن آن را کنش دوسویه بی‌کانون می‌نامد.

رایزمن^۲ به سه نوع جامعه اشاره می‌کند و از نظر او در جامعه دگرراهر با رهبری رسانه‌های جمعی مواجهیم که پس از دوره رهبری صنعت و دوران درون‌راهر (ظهور فردگرایی)، دوران سوم صحنه ظهور انبوه تنها درون شهرهای بزرگ است. او این دوره را دوران امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی خویشاوندی می‌داند، زمانی که وسایل ارتباط جمعی هدایت عواطف، احساسات و الگوهای حیات اجتماعی را به دست دارند. رایزمن، دوران سوم ارتباطی را دورانی می‌داند که در جریان آن، انبوه‌های تنها در درون شهرهای بزرگ پدید می‌آیند. او در اثرش به همین نام «انبوه تنها»، انسان‌هایی را مجسم می‌کند که در راه‌روهای تنگ قطارهای زیرزمینی، در دریایی از انسان‌ها غوطه می‌خورند، راه برای رفتن نیست و ازدحام، نفس کشیدن را مشکل می‌کند؛ اما به‌رغم این‌همه تراکم، انسان تنهاست و هیچ‌گاه در تاریخ چنین تنها نبوده است. هیچ‌یک از این انسان‌ها را نمی‌شناسد، هرگز آنان را ندیده است و باز به‌یقین می‌داند که هرگز

1. Turner

2. Reizman

هیچ‌یک از آنان را بار دیگر نخواهد دید. او در پی امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و دوستی‌های پایای قدیم تنهاست و در برابر وسایل ارتباط جمعی و صاحبان قدرتمند آن و همچنین وسوسه‌های ناشی از آن سخت آسیب‌پذیر است. پس به زعم رایزن، این دوران در تاریخ انسان به‌عنوان دورانی ثبت خواهد شد که در آن دیگرانی چند «صاحبان وسایل ارتباطی» الگوهای حیات اجتماعی را می‌سازند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۶۷).

گیبسون^۱ فضای مجازی را «مکان تجسم‌های همراه با رضامندی» معرفی می‌کند که در آن هر دو بعد فیزیکی و ذهنی «خود» دچار تحول و دگرگونی می‌شود. در واقع جسم فیزیکی در واقعیت مجازی و فضای سایبر فاقد ارزش است و طراحی «خود» در دنیای مجازی به کاهش پیش‌بینی و اعمال کنترل بر هویت می‌انجامد. فضای سایبر فضایی است که تحت تأثیر انقلاب اطلاعات و فناوری اطلاعات که وجه مشخصه آن فرامکانی و فرازمانی است به وجود آمده است. در فضای سایبر چنانچه بودریار می‌گوید ما دیگر در حکم افراد با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنیم؛ بلکه پیام‌هایی هستیم بر روی صفحه کامپیوتر دیگران (عدلی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۱).

تعریف فضای سایبر پیچیده است. در واقع، تعریف آن را می‌توان از طریق سه نوع استعاره داستان‌گویی تقسیم‌بندی کرد تا به ما تعاریفی متفاوت بدهد. ما می‌توانیم فضای سایبر را از دیدگاه سخت‌افزار تعریف کنیم؛ برای مثال، به‌عنوان شبکه‌ای جهانی از کامپیوترها که از راه زیرساخت‌های ارتباطی به هم متصل شده‌اند و اشکال گوناگون تعامل میان کنشگران دور از هم را تسهیل می‌کند. فضای سایبر در اینجا مجموع همه آن گروه‌ها و شبکه‌هاست. به صورتی دیگر، براساس تعریفی که تا حدودی مبتنی بر استعاره نمادین است، می‌توان فضای سایبر را به‌عنوان فضایی خیالی بین کامپیوترها تعریف کرد که در آنجا افراد ممکن است خودهای جدید و دنیاهای جدیدی بسازند. در واقع، فضای سایبر همه اینها و چیزی که بیشتر از اینهاست، هم سخت‌افزار و هم نرم‌افزار است، مجموعه‌ای از تصویرها و ایده‌ها نیز هست که جدایی‌ناپذیرند. همچنین، شیوه‌هایی که ما فضای سایبر را تجربه می‌کنیم، بازنمایی‌کننده نوعی تلاقی میان عناصر مادی و

1. Gibson

نمادین است که بسته به نوع تجربه، به هر کدام ارزش‌های متفاوتی داده می‌شود (بل، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲).

نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، به‌نوعی تلفیق بین تعامل‌گرایی و ساختارگرایی است. او استدلال می‌کند که کنش‌های روزمره مانند خرید کردن، به مدرسه رفتن و غیره هم تولید (زاینده) و هم بازتولید (زاینده) ساختارهای اجتماعی است (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به‌واسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی برمی‌گردد که در چنین کنشی نهفته است (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به گفته گیدنز ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به‌شدت دگرگون می‌کند. گیدنز، بحث جدایی زمان و مکان را مطرح می‌کند: «در جوامع پیشامدان، زمان همیشه در پیوند با فضا بوده است و در اندازه‌گیری زمان دقت وجود نداشت و با ظهور مدرنیته زمان به معیار تبدیل شد و پیوند تنگاتنگ بین زمان و فضا از هم گسیخت» (سیدمن^۱، ۱۳۹۲: ۱۹۰). وی بر این باور است که همین جدایی شرط وقوع فراگردهای ازجاکنندگی است. نهادهای ازجاکننده، پهنه فاصله‌گیری زمانی-مکانی را گسترش می‌دهند. نقطه تمرکز نظریه ساخت‌یابی، بر مفهوم جدایی زمان از مکان است. گیدنز چنین فرض می‌کند که تغییرات ساختاری در قدرت، به‌واسطه سطوح چندگانه جهانی‌شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های فناورانه و دموکراسی سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همبسته بودند؛ به این معنی که، مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به‌صورت مجزا از یکدیگر، گسترش یافته است.

به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و فناوری‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر می‌شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند. براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند؛ اما این محیط پس از شکل‌گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند؛ بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند؛ اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند. درواقع با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران با فعالیت بازاندیشانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آنها بیشتر است؛ ولی هرچه کاربران منفعل و غیر مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آنها کمتر خواهد بود (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲)

طبق نظریه گیدنز، عقاید مربوط به تأثیرهای اینترنت بر کنش متقابل اجتماعی در دو مقوله کلی جای می‌گیرند. در یک سمت، ناظران و مفسرانی هستند که دنیای اینترنت را پشتوانه شکل‌های نوین روابط الکترونیکی می‌دانند که تعامل‌های چهره‌به‌چهره کنونی را یا تقویت و یا تکمیل می‌کنند. افراد به هنگام سفر یا کار در خارج، می‌توانند با استفاده از اینترنت به‌طور مرتب با دوستان و بستگان خویش در ارتباط باشند؛ دوری و جدایی قابل تحمل‌تر می‌شود. اینترنت امکان شکل‌گیری انواع نوین روابط و مناسبات را نیز فراهم می‌آورد: کاربران

«بی‌نام و نشان» شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در چت روم‌ها باهم ملاقات کرده و درباره موضوعات مورد علاقه خویش گفت‌وگو کنند. این تماس‌های مجازی گاه تبدیل به دوستی‌هایی تمام‌عیار می‌شود و یا حتی به ملاقات‌های حضوری می‌انجامد. بسیاری از کاربران اینترنت عضو اجتماعات فعال اینترنتی هستند که به لحاظ کیفی متفاوت با اجتماعاتی است که آنان در دنیای فیزیکی ساکنان آن هستند. دانش‌پژوهانی که اینترنت را افزوده مثبتی به تعامل انسانی می‌دانند، این استدلال را مطرح می‌کنند که اینترنت موجب وسعت و پرمایگی شبکه‌های اجتماعی مردم می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۸۰).

امروزه تحولات فناورانه و شبیه‌سازی در قالب فرهنگ سایبرنتیک در واقع نوعی منطق نوین زندگی یا دوجایگاهی شدن ارتباطات انسانی در دو حوزه واقعیت و فضای مجازی است. این فضای نوین به اصطلاح مایکل هایم بازخورد سریع‌تر و قدرتمندتری به نسبت فناوری‌های مدرنی چون تلویزیون، رادیو و روزنامه دارد و از سویی مثل فرژن و هربرت دریفوس معتقدند که فضای مجازی می‌تواند افراد را از تماس‌های اجتماعی محروم کند و ارتباطات اجتماعی را کم و نهایتاً می‌تواند موجب بی‌تفاوتی اجتماعی شود. دریفوس با قبول تعریف هیدگری تکنولوژی^۱ می‌گوید: اینترنت نه تنها یک ابداع مدرن و نو تکنولوژیک، بلکه صرفاً گونه جدیدی از این امر است، ادعای که آشکارکننده ماهیت خود تکنولوژی است. اینجا اینترنت نیز مانند دیگر اختراعات تکنولوژیک آثاری غیر از آنچه که انتظار می‌رود، آشکار می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، اگر قصد اولیه تأسیس شبکه‌های اطلاعاتی برای حفظ و اشاعه دانش و اطلاعات برای دانشمندان بوده است، اکنون صرفاً چنین نیست. چنانکه تلفن و اتومبیل نیز ابتدا برای راحتی ارتباطات و انتقالات اختراع شد؛ اما در پی اختراع آنها مزاحمت و تخریب محیط زیست و رهایی سکس

۱. هایدگر معتقد است تفکر روزگار ما درباره تکنولوژی بسیار سطحی و سرسری است. آنها یا با تکنولوژی مخالفانند و یا با تکنولوژی موافق. به‌هر تقدیر انسان عصر مدرن به تکنولوژی متعهد و ملتزم شده است و اگر تکنولوژی برداشته شود تمدن فرومی‌ریزد اما از طرفی در نظر هایدگر تکنولوژی انرژی نهفته و امکانات و تغییرات عجیب و غریب را ظهور و بروز می‌دهد که انفجار هسته‌ای در برابر آن چیزی نیست. رجوع شود به پرسش از تکنیک اثر هایدگر.

نوجوانان پدید آمد. از نظر دریفوس اکنون ارتباطات میان دانشمندان در شبکه جهانی وب به موضوعی جانبی تبدیل شده است. شبکه چنان غول‌آسا شده که آن نیاز خاص اولیه، دیگر امری کاملاً فرعی می‌نماید. از اینجا هر کاربرد تازه آن، امری غافلگیرکننده است. از نظر ستایشگران اینترنت، انسان هویت‌هایی هر چه انعطاف‌پذیرتر نسبت به گذشته کسب خواهد کرد. به این ترتیب، وجوه جدیدی از معنا در زندگی چهره خواهد گشود و موجب گسترش دایره ادراک انسانی خواهد شد. از نظر دریفوس به شهادت پژوهش‌های موجود، نتایج اینترنت چنین نیست؛ برای نمونه، هنگامی که به افراد امکان دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات داده می‌شود، آنان درمی‌یابند که دچار احساس انزوا و افسردگی شده‌اند. بدین ترتیب، نظریه نیچه‌ای دریفوس شکل می‌گیرد که حذف حضور تنی و فیزیکی انسان به مثابه وجود کلی او در فضای سبیرینتیک را به معنی گرایش افراطی‌ترین طرفداران شبکه تلقی می‌کند. این گروه افراطی از بسط شبکه در درازمدت انتظار دارند، هریک از انسان‌ها به زودی بتوانند از محدودیت تحمل شده بر خود از جانب چشمان رهایی پیدا کنند. در این باره، جان پاری پارلو می‌گوید: «دنیایی است که هم در همه‌جاست و هم در هیچ کجا؛ اما در آنجا که بدن ما زندگی می‌کند نیست» (مددپور، ۱۳۸۳: ۷۹).

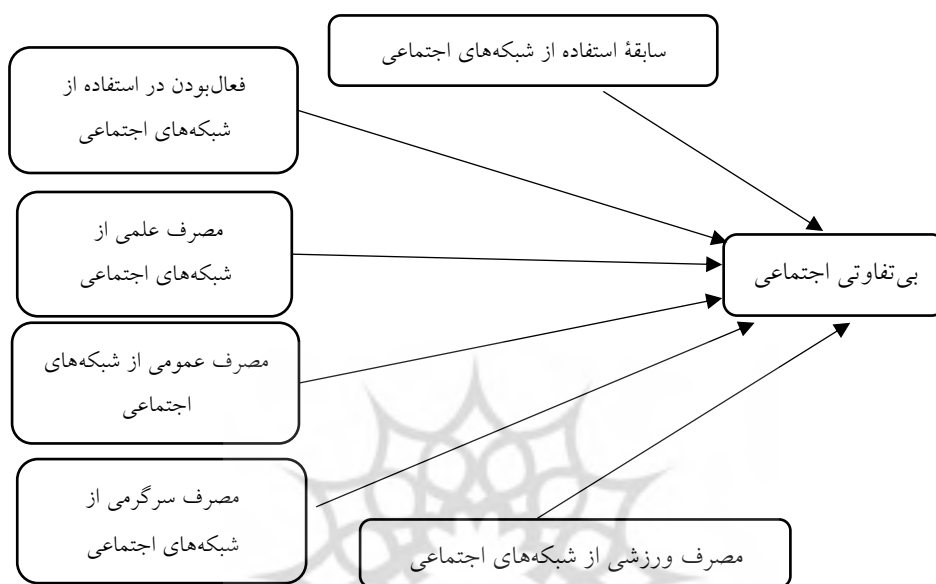
طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به واسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به گفته گیدنز، ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به شدت دگرگون می‌کند. به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و تکنولوژی‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس ناامنی و واژگونی

واقعیت منجر شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند.

براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز، می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند؛ اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند؛ بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند؛ اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند. در واقع، با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران با فعالیت بازانديشانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آنها بیشتر است؛ ولی هرچه کاربران منفعل و غیر مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آنها کمتر خواهد بود (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲).

به گفته گیدنز، ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به‌شدت دگرگون می‌کند. گیدنز بحث جدایی زمان و مکان را مطرح می‌کند: «در جوامع پیشامدرن، زمان همیشه در پیوند با فضا بوده است و در اندازه‌گیری زمان دقت وجود نداشت و با ظهور مدرنیته زمان به معیار تبدیل شد و پیوند تنگاتنگ بین زمان و فضا از هم گسیخت» (بروجردی علوی، ایلالی، ۱۳۹۷: ۸۰). فرضیه‌های این تحقیق (میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، مشارکت و فعال‌بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی) از نظریه ساخت‌یابی گیدنز گرفته شده است.

مدل مفهومی تحقیق



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

مأخذ: نظریه های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی در سطح نمونه آماری بالاتر از سطح میانگین طیف است.

به نظر می‌رسد بین سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نوع مصرف رسانه‌ای (علمی، سرگرمی، ورزشی و کسب اطلاعات عمومی) و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد میزان بی‌تفاوتی بر حسب جنسیت افراد تفاوت معناداری دارد.
 به نظر می‌رسد میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت شغلی افراد تفاوت معناداری دارد.

۳. روش تحقیق

روش انجام این مطالعه کمی و به صورت پیمایشی است، روش گردآوری داده‌ها میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است. براساس آمار گرفته شده از معاونت آموزشی این دانشگاه، تعداد جامعه آماری ۵۳۸۵ نفر است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری تصادفی بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه بوده است که به دلیل فراگیری کوید ۱۹ به روش اینترنتی در بین دانشجویان توزیع شد. روند کار هم به این صورت بوده است که لینک پرسش‌نامه در اختیار تمامی اساتید و دانشجویان و نیز بخش‌های مختلف دانشگاه که دارای گروه‌هایی بودند که فقط دانشجویان دانشگاه یاسوج در آن عضو بودند ارسال شد و از آنها خواسته شد تا لینک یادشده را در اختیار دانشجویان قرار دهند. به این صورت تلاش شد که تمامی دانشجویان شانس دسترسی به پرسش‌نامه را داشته باشند.

برای سنجش متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی از ۳۵ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای مقوله‌ای استفاده شد. گویه‌های مذکور در طیف لیکرت پنج درجه‌ای طراحی شده و با گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد با نمرات یک تا پنج کدگذاری شدند. نحوه نمره‌دهی پاسخگویان به نحوی بوده است که افراد بی‌تفاوت‌تر نمرات بالاتری را از طیف به خود اختصاص داده و کسانی که بی‌تفاوتی کمتری دارند، نمرات پایین‌تری دریافت کنند.

برای سنجش متغیر مستقل این تحقیق یعنی فضای مجازی (سابقه استفاده، مدت زمان نوع مصرف و نیز برخورد فعال/انفعالی با شبکه‌های مجازی) ابتدا تعریف نظری آن مشخص شد. در تمام تعاریف فضای مجازی، این فضا محیط الکترونیکی یا محیط شبکه‌ای از کامپیوترها

دانسته می‌شود که با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی دارد تا اشیاء و واقعیت‌های سه‌بعدی جهان واقعی را مشابه سازی کند؛ اما ادعا می‌شود که فاقد مادیت فیزیکی هستند. گفته می‌شود که از خصوصیات بارز این فضا بی‌مکانی و بی‌زمانی است (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۱). در این تحقیق، برای سنجش فضای مجازی از ۲۰ گویه استفاده شده است. ۷ گویه برای سنجش سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ۷ گویه برای مدت زمان نوع مصرف رسانه‌ای، و ۶ گویه فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی (منظور این است که آیا کاربر فقط مثل یک بیننده مطالب دیگران را می‌خواند یا اینکه فعالانه در این محیط طرح موضوع کرده، با دیگران بحث می‌کند، گروه‌های هم‌اندیشی و علاقه‌مندی مشترک راه‌اندازی می‌کند و ...) را بررسی کرده‌اند. گویه‌های مذکور نیز در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای طراحی شده و با گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد با نمرات یک تا پنج کدگذاری شدند. اعتبار پرسش‌نامه از طریق اعتبار صوری و سازه (تحلیل عامل اکتشافی) برآورد شد و پایایی آن براساس آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۱- پایایی متغیرهای پرسش‌نامه

مأخذ: داده‌های تحقیق

تعداد گویه	آلفا	متغیر
۷	۰/۷۰	سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۷	۰/۷۵	مصرف رسانه‌ای (علمی، سرگرمی، ورزشی و کسب اطلاعات عمومی)
۶	۰/۷۸	فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۳۵	۰/۸۳	بی‌تفاوتی اجتماعی

برای ارزیابی دقیق‌تر هم‌بستگی درونی گویه‌های مربوط به بی‌تفاوتی اجتماعی از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. براساس نتایج حاصل از آزمون کفایت نمونه‌گیری ($KMO = 0.918$)، $p < 0.00$ ، اطمینان حاصل شد که داده‌ها پیش‌فرض ویژگی‌های لازم برای انجام آزمون تحلیل

عاملی را دارا هستند. همچنین، این تحلیل نشان داد که در مجموع، چهار عامل استخراج شده توانسته‌اند (۴۴/۵۵٪) از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند.

در نهایت برای دسته‌بندی و تلخیص و شناسایی گویه‌های مربوط به بی تفاوتی از تحلیل ماتریس چرخش یافته به سبک واریماکس استفاده شد. براساس اطلاعات جدول شماره (۴) گویه‌های مربوط به هر عامل ذیل آنها قرار گرفتند که با توجه به محتوای گویه‌ها عامل‌های چهارگانه بی تفاوتی نسبت به مسائل علمی در دانشگاه‌ها، بی تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی، بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی و بی تفاوتی نسبت به مسائل اقتصادی نام‌گذاری شدند.

جدول ۲. نتایج تحلیل عامل اکتشافی گویه‌های بی تفاوتی و بار عاملی مربوط به هر گویه

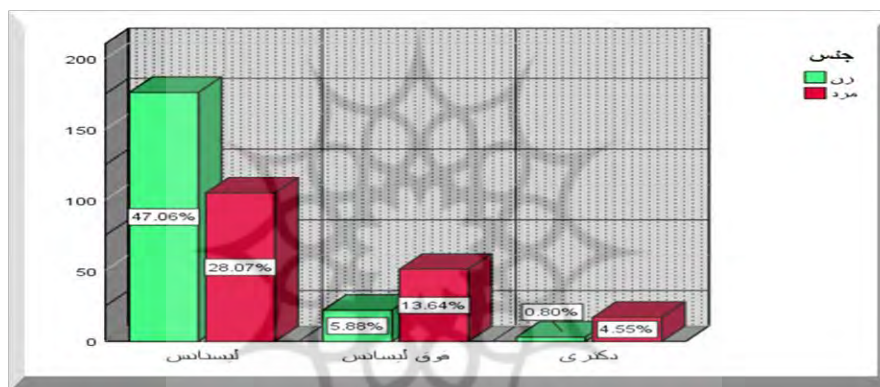
مأخذ: داده‌های تحقیق

عامل					
۴	۳	۲	۱		
			۰/۷۶۶	آینده پیشرفت علمی دانشگاه برایم اهمیتی ندارد.	بی تفاوتی نسبت به فعالیت‌های علمی دانشگاه
			۰/۷۱۶	اگر اتوبوس (سرویس ایاب و ذهاب) تأخیر داشته باشد، سریعاً اعتراض می‌کنم.	
			۰/۶۸۹	اگر استادی نتواند به خوبی درسش را ارائه دهد، به آن استاد اعتراض می‌کنم.	
			۰/۶۷۹	بود و نبود استاد خوب برای تدریس برایم مهم نیست.	
			۰/۶۵۹	اگر امکانات رفاهی خوابگاه دانشگاه مطلوب نباشد، اعتراض می‌کنم.	
			۰/۶۰۱	غذای سلف سرویس بد باشد، علناً اعتراض می‌کنم.	
			۰/۵۵۰	اگر دانشجویی به اموال عمومی دانشگاه صدمه بزند، به راحتی از کنار آن می‌گذرم.	
			۰/۵۳۲	بعضی مواقع که دانشجویان نسبت به مسئله‌ای اعتراض عمومی دارند، شرکت نمی‌کنم و اعتراض کردن را وظیفه خودم نمی‌دانم.	
		۰/۷۵۹		برای شرکت در انتخابات و رأی دادن به کاندیداهای مورد منظر علاقه‌مند نیستم.	بی تفاوتی
		۰/۷۵۱		از اختلاس کردن مسئولان خیلی گلایه‌ای ندارم.	

عامل					
۴	۳	۲	۱		
		۰/۷۰۳		آینده سیاسی کشورم برام اهمیتی ندارد.	بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی
		۰/۶۶۴		رانت و فسادهایی که در جامعه رخ می‌دهد برایم مهم نیست.	
	۰/۷۹۷			مشکلاتی که در بین مردم در حال افزایش است، برایم مهم نیست.	
	۰/۷۶۰			عملاً اعتراض کردن به وضعیت تورمی جامعه بیهوده است.	
	۰/۷۴۰			در جلوی چشمم سرقتی صورت می‌گیرد، ترجیح می‌دهم بگذرم تا اینکه به کمک شخص زیان‌دیده بشتابم.	
	۰/۷۲۶			کلاً نسبت به جریانات و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد بی‌اعتنا هستم.	
	۰/۵۹۵			اگر ببینم که فردی در خیابان مزاحمت برای دختر جوانی ایجاد می‌کند (او را تهدید می‌کند و یا متلک می‌پرانند) به راحتی از کنارش می‌گذرم.	
	۰/۵۹۳			اگر تصادفی در خیابان رخ بدهد، بدون توجه به کمک خواستن، شروع به عکس و فیلم برداری می‌کنم.	
	۰/۵۸۱			اینکه مردم مسائل اجتماعی روز را درک می‌کنند یا نه، به حال من فرقی نمی‌کند.	
	۰/۵۷۲			اگر کسی از من درخواست کمک مادی کند، در حد توانم به او کمک می‌کنم.	
	۰/۵۶۰			اگر بدانم خانواده‌ای در هزینه زندگی روزمره خود مانده است، در حد توانم کمک می‌کنم.	
	۰/۸۳۳			افزایش چند برابری قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.	بی تفاوتی اقتصادی
	۰/۶۴۴			اینکه اقتصاد به چه سمتی می‌رود به من ربطی ندارد.	
	۰/۶۰۳			قیمت‌ها هر چقدر هم که بالا برود چاره‌ای نداریم جز اینکه با آنها بسازیم.	
	۰/۶۰۰			چون با دلار کاری ندارم، بالا یا پایین آمدن قیمت آن اصلاً برایم مهم نیست.	
	۰/۵۲۴			برای مقابله با وضع گرانی کالا و مواد غذایی حاضرم علناً اعتراض کنم.	

۴. یافته‌های تحقیق

از آنجاکه نقش آمار توصیفی در فرایند تحلیل آماری بسیار مهم و حیاتی است، در زیر به توصیف متغیرهای مستقل زمینه‌ای و مستقل پرداخته شده است. به لحاظ جنسیت، ۵۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۴۶/۳ درصد مرد هستند که حاکی از مشارکت بیشتر زنان در پژوهش است. بر حسب وضعیت تحصیلات، بیشترین فراوانی در مقطع لیسانس و مربوط به زنان است و کمترین فراوانی هم در مقطع دکتری و بازهم مربوط به زنان است. نمودار زیر این توزیع را به تصویر کشیده است.



شکل ۱. توزیع فراوانی نسبی تحصیلات اعضای نمونه بر حسب جنسیت

مأخذ: داده‌های تحقیق

بر اساس اطلاعات کسب شده، ۳۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان در دانشکده علوم انسانی، ۲۹/۹ درصد دانشکده فنی مهندسی، ۲۲/۲ درصد دانشکده علوم پایه و ۱۰/۴ درصد در دانشکده کشاورزی مشغول به تحصیل هستند.

در خصوص وضعیت بی‌تفاوتی دانشجویان به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق، میانگین بی‌تفاوتی آنها برابر با ۱۰۳.۹۵ برآورد شده است؛ حال آنکه میانگین طیف سنجش این متغیر ۱۱۱ بوده است. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد میزان بی‌تفاوتی مشاهده‌شده دانشجویان با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری پایین‌تر از سطح متوسط است. این امر نشان می‌دهد که

دانشجویان از گروه‌هایی هستند که نسبت به اتفاقات اطراف خود حساس هستند. براساس تحلیل‌های صورت گرفته، وضعیت توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول ۳. آماره‌های متغیرهای تحقیق

مأخذ: داده‌های تحقیق

متغیر	فراوانی	میانگین	میانگین طیف	آزمون تی تک نمونه‌ای		انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
				t	سطح معناداری			
بی تفاوتی اجتماعی	۳۵۲	۱۰۳/۹۵	۱۱۱	-۷/۱۸	۰/۰۰	۱۸/۴	۱/۴۴	۲/۷
فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی	۳۵۵	۲۰/۴۵	۲۱	-۱/۶۸	۰/۰۹	۶/۱۵۶	۰/۲۳۳	۰/۴۹
سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۳۵۴	۲۵/۴	۲۱	۱۳/۳۲	۰/۰۰	۶/۲۱	-۱/۴۸	۱/۶۵

اطلاعات جدول شماره (۴) توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌های مربوط به بی تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد:

جدول ۴. میزان بی تفاوتی اجتماعی در سطح نمونه

مأخذ: داده‌های تحقیق

گویه‌های بی تفاوتی اجتماعی	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	درصد کل
رانت و فسادهایی که در جامعه رخ می‌دهد برایم مهم نیست.	۴۶/۴	۲۸/۹	۱۱/۴	۶/۵	۸/۶	۱۰۰/۱
برای مبارزه با فساد حاضرم علناً به خیابان‌ها بیایم و علیه فسادگران شعار سر دهم.	۱۷/۳	۱۲/۰	۲۷/۲	۲۲/۷	۲۰/۸	۱۰۰/۱
اعتراض کردن به وضعیت موجود هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهد.	۳۲/۵	۲۳/۲	۱۶/۵	۱۵/۰	۱۲/۸	۱۰۰/۱

گویه‌های بی تفاوتی اجتماعی	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	درصد کل
برای مقابله با وضع گرانی کالا و مواد غذایی حاضرماً عیاناً اعتراض کنم.	۶/۹	۱۲/۵	۳۲/۳	۲۴/۸	۲۳/۵	۱۰۰/۱
معضلات اجتماعی که گریبان‌گیر جامعه و مردم است به من ربطی ندارد.	۳۱/۸	۲۷/۷	۱۳/۳	۱۲/۰	۱۵/۲	۱۰۰/۱
افزایش قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.	۵۱/۵	۲۳/۲	۱۰/۶	۳/۲	۱۱/۵	۱۰۰/۱
برای مقابله با اختلاس‌گران حاضرماً کمپین مبارزه با اختلاس و فساد راه بیندازم.	۸/۸	۷/۵	۴۰/۸	۲۰/۵	۲۲/۴	۱۰۰/۱
پوشش ظاهری هر شخصی به خودش مربوط است و ربطی به من و شخص و نهاد دیگری ندارد.	۲۳/۲	۱۴/۹	۱۳/۵	۱۷/۶	۲۲/۸	۱۰۰/۱
در جلوی چشم من سرقتی صورت می‌گیرد ترجیح می‌دهم بگذرم تا اینکه به کمک شخص زیان‌دیده بشتابم.	۳۳/۶	۳۲/۸	۱۶/۸	۹/۱	۷/۷	۱۰۰/۱
اگر تصادفی در خیابان رخ دهد، بدون توجه به کمک‌خواستن، شروع به عکس و فیلم‌برداری می‌کنم.	۴۴/۵	۲۱/۸	۱۰/۵	۸/۷	۱۴/۵	۱۰۰/۱
اگر جلوی چشمم دعوی در خیابان رخ دهد، میانجی‌گری می‌کنم.	۱۷/۱	۱۸/۹	۳۴/۱	۱۸/۶	۱۱/۳	۱۰۰/۱
کلاً نسبت به جریان‌ات و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد، بی‌اعتنا هستم.	۳۷/۶	۳۲/۷	۱۴/۸	۱۰/۰	۴/۹	۱۰۰/۱

جدول زیر نشان می‌دهد در زمانی که دانشجویان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند، بیشتر چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند. اطلاعات زیر نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از دانشجویان کمتر از یک ساعت از وقت خودشان را صرف افزایش اطلاعات عمومی، ۱۲/۴ درصد تقریباً دو ساعت از وقت خود را صرف افزایش اطلاعات علمی، ۶۶/۳ درصد کمتر از یک ساعت از شبکه‌های اجتماعی برای سرگرمی و حدوداً ۴۰ درصد کمتر از یک ساعت برای پیگیری مسابقات ورزشی از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت استفاده می‌کردند.

جدول ۵. توزیع فراوانی نسبی نوع استفاده از فضای مجازی توسط دانشجویان

مأخذ: داده های تحقیق

کمتر از ۵۹ دقیقه	از ۶۰ تا ۱۱۹ دقیقه	بین ۱۲۰ تا ۱۷۹ دقیقه	بین ۱۸۰ تا ۲۳۹ دقیقه	بین ۲۴۰ تا ۳۰۰ دقیقه	بیشتر از ۳۰۰ دقیقه	
۷۰/۱	۱۶/۷	۱/۳	۳	۲/۲	۸/۹	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای استفاده از اطلاعات عمومی
۶۵/۱	۱۲/۴	۷/۸	۳/۵	۳/۲	۷/۸	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای افزایش اطلاعات علمی
۶۶/۳	۱۲/۹	۵/۱	۳/۲	۲/۲	۱۰/۰	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای سرگرمی
۳۹/۱	۲۱/۳	۵/۴	۱۰/۲	۱۲/۷	۱۰/۸	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای پیگیری مسابقات ورزشی

آمار استنباطی فرضیه‌هایی که هم‌بستگی بین برخی متغیرها با بی تفاوتی اجتماعی را بررسی کرده اند، در جدول زیر آمده است.

جدول ۶. رابطه فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

مأخذ: داده های تحقیق

بی تفاوتی اجتماعی			
سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی	جمع کل	
/۰۰۰	/۴۰۳	۳۶۱	فعال بودن
۰/۵۸	۰/۰۲۹	۳۶۱	سابقه استفاده
۰/۰۴	۰/۱۰۹*	۳۶۱	استفاده از شبکه‌ها برای اطلاعات عمومی
۰/۰۰	۰/۱۷۰**	۳۶۱	افزایش اطلاعات علمی
۰/۰۰۰	۰/۱۹۵**	۳۶۱	استفاده از شبکه‌ها برای سرگرمی
۰/۰۱	۰/۱۲۸*	۳۶۱	پیگیری مسابقات ورزشی

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی تفاوتی

اجتماعی، این نتیجه حاصل شده است: نتیجه ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان‌دهنده رد شدن فرض صفر و تأیید وجود رابطه معنادار (با شدت ۰/۴۰۳) بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی است. این فرضیه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است و نشان می‌دهد هرچه دانشجو بیشتر در شبکه‌های اجتماعی فعال‌تر و مشارکت بیشتری داشته باشد، میزان بی‌تفاوتی او نیز افزایش پیدا می‌کند.

در خصوص رابطه میزان سابقه استفاده از فضای مجازی و بی‌تفاوتی، جدول فوق نشان می‌دهد که صرفاً سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با میزان بی‌تفاوتی دانشجو ارتباطی ندارد. بنابراین، فرضیه تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می‌شود.

نتیجه ضریب هم‌بستگی پیرسون مدت زمان استفاده در ابعاد مختلف شبکه‌های اجتماعی که در جدول فوق نشان داده شده است، چنین بیان می‌کند که مدت زمان نوع مصرف رسانه‌ای با میزان بی‌تفاوتی دانشجو ارتباطی دارد. بنابراین، فرضیه تحقیق پذیرفته و فرض صفر رد می‌شود. این فرضیه در نوع مصرف اطلاعات عمومی و مسابقات ورزشی با اطمینان ۹۵ درصد و برای مصرف اطلاعات علمی و سرگرمی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است.

جدول زیر نتیجه آزمون تی دو نمونه مستقل است که میزان بی‌تفاوتی را بین دختران و پسران می‌سنجد، نتایج نشان داد دختران با میانگین (۱۰۵/۹۳) بی‌تفاوت‌تر از پسران با میانگین (۱۰۱/۵۴) هستند و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری دارد.

جدول ۷. وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت

مأخذ: داده‌های تحقیق

سطح معنی‌داری	مقدار تی	پسران		دختران		بی‌تفاوتی اجتماعی
		میانگین نمره	فراوانی	میانگین نمره	فراوانی	
۰/۰۰	۲/۲۴	۱۰۱/۵۴	۱۵۹	۱۰۵/۹۳	۱۹۳	

در خصوص فرضیه وجود تفاوت در میزان بی‌تفاوتی بر حسب تحصیلات افراد، نتیجه آزمون آنوا نشان داد که میزان بی‌تفاوتی افراد بر حسب سطح تحصیلات فرد تفاوت معناداری دارد

($p < 0.03$). همچنین، نتیجه آزمون تعقیبی توکی نشان داد تفاوت بین مقطع تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس باعث تأیید این فرضیه شده است. بررسی فرضیه تفاوت میزان بی‌تفاوتی بر حسب دانشکده‌ها نیز نشان داد با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری در میزان بی‌تفاوتی دانشجویان علوم انسانی با دانشجویان علوم پایه و کشاورزی وجود دارد و منجر به تأیید این فرضیه شده است.

برای نشان‌دادن وضعیت اشتغال افراد و ایجاد تفاوت معنادار در میزان بی‌تفاوتی اجتماعی از آزمون تی برای دو نمونه مستقل استفاده شد و نتیجه نشان داد که با اختلاف زیادی بی‌تفاوتی اجتماعی در بین بیکاران بیشتر از شاغلین است.

جدول ۸. وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت شغلی

مأخذ: داده‌های تحقیق

سطح معنی‌داری	مقدار تی	بیکار		شاغل		بی‌تفاوتی اجتماعی
		میانگین نمره	فراوانی	میانگین نمره	فراوانی	
۰/۰۰	-۴/۲۴	۱۱۰/۲۷	۱۰۱	۱۰۰/۲۱	۱۴۱	

تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل تحقیق نشان داد این متغیرها می‌توانند ۱۷.۴ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند؛ در حالی که بین این متغیرها، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای سرگرمی با بتایی برابر با ۰.۱۲۱ بیشترین اثر را بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه گذشت، مطالعه‌ای درباره تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی بود با هدف این نکته که گسترش فضای مجازی در سطح جامعه و همچنین بی‌تفاوتی اجتماعی که اغلب در

جامعه دیده شده است که مصادیقی از آن در بیان مسئله آورده شد، می‌تواند ارتباطی با هم داشته باشند یا خیر؟

یافته‌های آماری این تحقیق نشان داد که سطح بی‌تفاوتی دانشجویان پایین‌تر از حد متوسط طیف است. دربارهٔ ارتباط متغیرهای زمینه‌ای با بی‌تفاوتی، داده‌ها نشان دادند زنان و بی‌کاران بی‌تفاوتی بیشتری را نسبت به مردان شاغل تجربه می‌کنند و نیز میزان بی‌تفاوتی در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری دارد. همچنین دانشجویانی که در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند سطح بی‌تفاوتی بالاتری نسبت به سایر رشته‌ها دارند.

با توجه به مقوله بی‌تفاوتی اجتماعی به‌عنوان یک متغیر وابسته در این تحقیق و تأثیر فضای مجازی بر آن، این نتیجه به دست آمد که یکی از موضوعات که در بین دانشجویان وجود دارد و با آن درگیر بوده و مقوله بی‌تفاوتی اجتماعی بود که تا حدودی این بحث را به عموم افراد جامعه نیز تعمیم داد. بی‌تفاوتی اجتماعی نشان می‌دهد که افراد بیگانه‌شده، با توسل به ایده شیء‌واره شده خود، محرک مناسب را در جهت تغییرات نگرشی و تحولات تمایلاتی خود ایجاد کرده‌اند که می‌توان زمینه را برای شکل‌گیری بحران مشارکت و یا جهت‌گیری مثبت و منفی این افراد در فرایندهای اجتماعی فراهم کرد.

به غیر از متغیرهای زمینه‌ای، در این تحقیق از سه متغیر استفاده شده است تا تأثیر آنها را بر بی‌تفاوتی اجتماعی بسنجد. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها به‌قرار زیر است:

فعال‌بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، یکی از متغیرهایی بود که تأثیر آن بر بی‌تفاوتی اجتماعی بررسی و مشخص شد. اثر این متغیر بسیار جدی‌تر و مهم‌تر از سایر متغیرهاست. به‌طوری‌که هرچه شخص بیشتر در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی مشارکت فعال‌تری داشته باشد و به‌صورت منفعلانه با محتوای این شبکه‌ها برخورد نداشته باشد، میزان بی‌تفاوتی بیشتری را تجربه می‌کند. نتایج تحقیق همسو با دیدگاه زیمل است؛ بنابر نظریه زیمل دربارهٔ فضای زندگی مدرن، در آشناگردی اینترنتی دنیای امروز نیز افراد فعالانه از این فضا استفاده می‌کنند، هیچ‌کسی طرف مقابلش را نمی‌شناسد و تعهدی نسبت به رابطه‌ای که برقرار کرده است

ندارد؛ به بیانی دیگر، این آشناگردی اینترنتی باعث گسترش فردیت‌گرایی در جامعه امروزی شده است که بی‌تفاوتی مدنی را از کلیه قیود مکانی کالبدداشتگی آن آزاد کرده است و همین باعث توسعه یک نوع بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود.

سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی، یکی دیگر از متغیرهایی بود که تأثیر آن بر بی‌تفاوتی اجتماعی بررسی شد. با توجه به اطلاعات به دست آمده از تحلیل داده‌ها، متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأثیری بر بی‌تفاوتی اجتماعی نداشت. نتایج تحقیق همسو با مطالعه جمشیدی و همکاران (۱۴۰۰) نیست. شاید بتوان دلیل این ناهم‌خوانی را به تفاوت‌های فاحش زمانی و مکانی جامعه آماری دو مطالعه نسبت داد. تحقیق جمشیدی در سال ۱۳۹۸ در بین شهروندان منطقه ۱ و ۲ تهران و این مطالعه، در سال ۱۴۰۰ در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج صورت گرفته است. خلاصه در این تحقیق این است که، اینکه افراد به چه مدت با شبکه‌های مجازی آشنایی دارند و از آنها استفاده می‌کنند، اثری بر بی‌تفاوتی اجتماعی آنها نداشت.

آخرین متغیر نوع مصرف رسانه‌ای بود که رابطه‌ای مثبت و مستقیم با بی‌تفاوتی اجتماعی دارد. مصرف رسانه‌ای متغیر تأثیرگذاری است، اینکه از شبکه‌های اجتماعی در چه راستایی استفاده می‌شود، بحث مهمی است. نتیجه تحقیق با مطالعه فتحی و جعفری (۱۳۹۶) همخوانی دارد، نوع مصرف رسانه‌ای تأثیر مهمی بر تغییر سبک زندگی افراد دارد. بی‌تفاوتی اجتماعی را می‌توان سبک زندگی جدیدی دانست که محصول جامعه مدرن و پسامدرن است. دی فلور و بال روکیچ^۱ در الگوی خویش درباره وابستگی و نحوه استفاده از رسانه‌ها بر این باورند که شرط مهم برای بروز اثرات، میزان وابستگی و نوع استفاده به بعضی رسانه‌های ارتباطی است، مجرای که مردم برای به دست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند و اینکه چگونه استفاده می‌کنند، توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد، تا مجرای که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می‌کند فاقد اهمیت است. هرچند این نتیجه در سطح آزمون روابط هم‌بستگی تأیید شد؛ اما در برآوردهای رگرسیونی این نتیجه با شدت کمتر و در فاصله

اطمینان پایین تری دیده شد.

براساس داده‌های این تحقیق و براساس نظریه ساختاربندی گیدنز، فعالیت بازاندیشانه و مشارکت‌جویانه کنشگران در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و حضور مستمر و پیرنگ آنها در فضای مجازی باعث می‌شود که احتمال تأثیرپذیری آنها از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را بیشتر کند؛ ولی فعالیت منفعلانه و کمتر و غیر مشارکت‌جویانه یا گذری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث تولید کمتر معنا توسط کنشگران و نهایتاً تأثیرپذیری کمتر توسط کاربران فضای مجازی خواهد بود.

در مجموع نتایج به دست آمده از متغیرهای تحقیق تأیید کننده دیدگاه‌های فرژن و دریفوس است؛ چنانکه معتقدند فضای مجازی می‌تواند افراد را از تماس‌های اجتماعی محروم و ارتباطات اجتماعی را کم کند و نهایتاً موجب بی‌تفاوتی اجتماعی شود. نخست آنکه این پتانسیل در اینترنت وجود دارد که تعاملات مجازی را جایگزین تماس‌های اجتماعی حقیقی کند. هرچه انسان به تنوع هم‌جواری مجازی بیشتر توجه کند و بیشتر آن را فراگیرد، وقت کمتری را به کسب و به‌کارگیری مهارت‌های لازم برای هم‌جواری غیرمجازی اختصاص می‌دهد. دریفوس اعتقاد دارد که استفاده از شبکه‌های مجازی، درگیری فرد در دنیای فیزیکی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. این امر به نوبه خود، درک فرد از واقعیت و از معنای زندگی خودش را کاهش می‌دهد. درحقیقت به نظر می‌رسد هرچه بیشتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنیم، ما را به درون دنیای غیرواقعی، تنها و بی‌معنای آنهایی می‌کشاند که می‌خواهند از همه ددرها، بگریزند و انسان‌ها را تبدیل به افرادی بی‌تفاوت نسبت به محیط و مسائل اجتماعی می‌کند. نتایج این تحقیق هم به نوعی بر این دیدگاه صحه گذاشت به این صورت که مشخص شد هرچه افراد درگیری بیشتری با دنیای واقعی داشته باشند مثلاً به لحاظ شغلی، شاغل باشند میزان بی‌تفاوتی کمتری را تجربه می‌کنند و برعکس این حالت غرق شدن در فضای مجازی و به‌ویژه نه صرف وقت‌گذراندن منفعلانه در آن؛ بلکه فعال‌بودن در آن می‌تواند به بی‌تفاوتی بیشتر منجر شود. این قضیه با توجه به گستردگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین ایرانیان و به‌ویژه دانشجویان

به‌عنوان قشر آینده‌ساز ایران بسیار مهم می‌نماید و حتماً باید برای خنثی کردن این وضعیت چاره‌ای اندیشیده شود؛ چرا که این مسئله می‌تواند منجر به سقوط اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود و موجودیت جامعه را تهدید کند.

یافته‌های این تحقیق به‌وضوح نشان می‌دهد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی (با هر منظوری) تنها به تغییر نگرش شناختی و یا عاطفی کاربران منجر می‌شود و منتهی به تغییر رفتار و یا کنش مرتبط با آنها نمی‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران باید با تکیه بر مطالعات علمی این وضعیت را به‌دقت بررسی کرده و در راستای نحوه به کارگیری شبکه‌های اجتماعی و یا هرگونه برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییرات اجتماعی از طریق این شبکه‌ها کاملاً سنجیده عمل کنند.

کتابنامه

۱. استونز، ر. (۱۳۹۳). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی* (ترجمه مهدی میردامادی). چاپ نهم، تهران: مرکز.
۲. اسلوین، ج. (۱۳۸۰). *اینترنت و جامعه* (ترجمه عباس گلیگوری). تهران: کتابدار.
۳. بروجردی علوی، م.؛ و ایلالی، ح. (۱۳۹۷). *پیامدهای زیست مجازی ایرانیان، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴ (۱۶)، ۷۵-۱۱۰.
۴. بل، د. (۱۳۸۹). *درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر* (ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. ترنر، ج.ا. (۱۳۹۴). *نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی* (ترجمه علی اصغر مقدس و مریم سروش). چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
۶. توسلی، غ. (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک (رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)*. تهران: دانشگاه تهران.
۷. جمشید زاده، الف؛ کفاشی، م.؛ میرزایی، خ. (۱۴۰۰). *مطالعه جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مطالعه موردی (شهروندان منطقه ۱ و ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸)*، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۱ (۳۹)، ۱-۳۴.

۸. چیت‌ساز، م.؛ و سالک، س. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی اثرات شبکه‌های مجازی جدید بر زندگی فردی و اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهرضا). *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، ۷(۸۶)، ۱۰۵-۱۲۶.
۹. دیلینی، ت. (۱۳۹۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک* (مترجم بهرننگ صدیقی و وحید طلوعی). چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
۱۰. ریترز، ج. (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (مترجم محسن ثلاثی). چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی.
۱۱. زیمل، گ. (۱۳۵۸). *کلان‌شهر و حیات ذهنی* (ترجمه گیتی اعتماد). چاپ اول، برگرفته از کتاب *گزیده مقالاتی از کتاب مفهوم شهر*، شماره ۱، تهران: نشر ایران.
۱۲. ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. چاپ هفدهم، تهران: اطلاعات.
۱۳. سیدمن، ا. (۱۳۹۲). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی* (مترجم هادی جلیلی). چاپ ششم، تهران: نشر نی.
۱۴. صیادی، پ.، و عطایی، پ. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از اینترنت بر روابط افراد در خانواده (مورد مطالعه: شهر اصفهان). *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۱(۲)، ۳۱۳-۳۴۲.
۱۵. ظهیری نیا، م.؛ گلابی، ف.؛ و هدایت ایوریق، ر. (۱۳۹۳). *شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی*، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۲(۴۵)، ۱۲۱-۸۶.
۱۶. عدلی‌پور، ص. (۱۳۹۱). *تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه اصفهان، ایران.
۱۷. عدلی‌پور، ص.؛ ملکیان، م.؛ و حاجیانی، س. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی*. تهران: پارسینه.
۱۸. عنبری، م.؛ و غلامیان، س. (۱۳۹۵). *تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۲)، ۱۵۹-۱۳۳.

۱۹. فتیحی؛ ح.؛ و جعفری، ع. (۱۳۹۶). رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی)، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۳(۹)، ۲۵۵-۲۲۲.
۲۰. قاضی‌زاده، ه و کیانپور، م. (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول: ۷۸-۵۹.
۲۱. کرایب، ی. (۱۳۸۸). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس (ترجمه عباس مخبر). تهران: نشر آگه.
۲۲. کوزر، ل. (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی (ترجمه محسن ثلاثی). چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی.
۲۳. گیدنز، آ. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
۲۴. محسنی تبریزی، ع؛ و صداقتی فرد، م. (۱۳۸۹). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش شهروندان تهرانی)، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۴۳)، ۲۲-۱.
۲۵. مددپور، م. (۱۳۸۳). هیوبرت دریفوس و ستیز نظری با تکنولوژی اطلاعات و اینترنت، کلیات کتاب ماه، ۷۹(۳)، ۷۸-۸۱.
۲۶. مسعود نیا، ا. (۱۳۸۰۹). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات سیاسی و اجتماعی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۱۶۷-۱۶۸)، ۱۶۵-۱۵۲.
۲۷. مصلحی نیک، ف؛ و حاجیانی، الف. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان، فصلنامه راهبرد فرهنگی، ۶(۲۲)، ۳۳۱-۳۵۵.
۲۸. مک‌کوایل، د. (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی (مترجم پرویز اجاللی). چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های.
۲۹. مهدی زاده، م. (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. چاپ اول، تهران: نشر همشهری.
۳۰. نوابخش، م؛ و میرزاپوری ولوکلا، ج. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۷(۳)، ۶۷-۵۳.

۳۱. وب سایت شورای عالی فضای مجازی، (۱۳۹۶). عوامل-مشوق-فعالیت-شرکت های-خارجی-در-فضای-مجازی-شورای عالی فضای مجازی، بازیابی شده در تاریخ ۱۱(۵)، از majazi.ir/general_content/82068
۳۲. وب سایت مشرق نیوز، (۱۳۹۷). آخرین آمار کاربران فضای مجازی در ایران [اخبار]. بازیابی شده در تاریخ ۳۱(۲) از <https://www.mashregnews.ir/news/850425>
۳۳. ویندال، س؛ سیگنپترز، ب؛ و جین، الف. (۱۳۸۷). کاربرد نظریه های ارتباطات (ترجمه علیرضا دهقان). تهران: جامعه شناسان.
۳۴. هدایتی، ع؛ زینی وند، ی؛ و رسولزاده اقدام، ص. (۱۳۹۵). آسیب شناسی شبکه های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی (مورد مطالعه: دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز)، *مطالعات جامعه شناسی*، ۸(۳۱)، ۴۵-۲۳.
۳۵. یزدانپناه، ل؛ و حکمت، ف. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۱۵۰-۱۲۷.
36. Viaznikova, L.F., Olga, M.O., Svetlana,v., Saltseva, M. S.F., Olga, N.B., Anna, S., Streltsova, I.V., Sivova, T.I., (2019). Reasons if Student Social Apathy. *Humanities & Social Sciences Reviews*,7(4), 1248-1254.
37. Mason.,D.S. (1991). Apathy and the Birth of Democracy: The Polish Struggle. *East European Politics and Societies*, 5(2), 205-233.
38. Kline,R. (2014). Supermajority voting social indifference and status quo constraints. *Journal of Theoretical Politics*, 26(2), 312- 330
39. Chong,T.T.J. (2020). Definition: Apathy. *Cortex*.128, 326-327
40. Karoubi, M.,&Ferdowsi,S.,(2021) Impact of Perceived Social Apathy on Tourists' Behavioral Intentions, *Journal homepage. Leisure Studies*,40(5),628-644.
41. Zuboff,s., (2019). *The age of surveillance capitalism*. publca Affairs.
42. Mehdi Karoubi;Sajad Ferdowsi;. (2021). Impact of Perceived Social Apathy on Tourists' Behavioral Intentions . *Leisure Studies*, (), -. doi:10.1080/02614367.2021.1888308